

## عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی

رضا شیرزادی\*

### چکیده

توسعه انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. بر اساس این دیدگاه، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم، و خلاق هدف نهایی توسعه است. توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابد و پیش‌برد روند توسعه انسانی نیازمند وجود دولتی فعال است. امروزه گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه انسانی یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه کشورهای گوناگون است. امارات متحده عربی کشوری است که با گذر از منطقه‌ای محروم و بیابانی در سال ۱۹۷۱، اکنون به کشوری ثروتمند و دارای رتبه توسعه انسانی خیلی بالا تبدیل شده است و به نظر می‌رسد توسعه انسانی در این کشور، به کمک رشد و توسعه اقتصادی و نقش ارشادی دولت، ارتقا یافته است. در این مقاله، ابتدا به مفاهیم توسعه و توسعه انسانی از جمله سیر تحول مفهوم توسعه، چگونگی طرح نظریه توسعه انسانی، و نحوه رتبه‌بندی کشورها با استفاده از شاخص توسعه انسانی اشاره شده است و سپس عمده‌ترین تحولات سیاسی و روندهای جاری اقتصادی و نیز تحلیل توسعه انسانی در کشور امارات متحده عربی بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اقتصادی، توسعه، توسعه انسانی، امارات متحده عربی.

### ۱. مقدمه

توسعه (development) روندی فراتر از نوسازی و رشد اقتصادی است و علاوه بر بهبود سطح مادی زندگی، بهره رساندن به انسان، یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم، را

\* دکترای علوم سیاسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، shirzadi2020@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳

هم در بر می‌گیرد. با آن‌که افزایش درآمد و توسعه اشتغال امری ضروری است، اما هر دو ابزار توسعه‌اند و نه هدف آن. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکانات اوست. از دید توسعه انسانی، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم، و خلاق در محیط زیستی غنی و در یک جامعه مدنی دموکراتیک هدف نهایی توسعه است. بنابراین هیچ وابستگی قطعی میان رشد اقتصادی و پیش‌رفت انسانی وجود ندارد و مفهوم توسعه انسانی عبارت است از: رشد اقتصادی هم‌راه با زندگی انسانی (شیرزادی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

اهداف توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابند. در نتیجه، نهادی به نام دولت باید نقش رهبری را به‌عهده گیرد و فرایند توسعه را هدایت کند و هر جا که لازم باشد مداخله کند تا اطمینان یابد که نتایج مورد انتظار توسعه انسانی به‌دست آمده است. بنابراین پیش‌برد استراتژی توسعه انسانی مستلزم وجود دولتی فعال است.

امارات متحده عربی از زمان تأسیس در سال ۱۹۷۱ تاکنون، به‌کمک درآمدهای قابل ملاحظه حاصل از صادرات نفت و گاز و همچنین تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، از منطقه‌ای محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند و دارای سطح زندگی بالا تبدیل شده است. به‌نظر می‌رسد این کشور، به‌کمک رشد و توسعه اقتصادی و هدایت و راه‌بری دولت، در زمینه توسعه انسانی نیز پیش‌رفت قابل ملاحظه‌ای کرده است. ولی آیا این رشد و توسعه اقتصادی منجر به ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی در این کشور نیز شده است؟

## ۲. توسعه و توسعه انسانی

### ۱.۲ تحول مفهوم توسعه

از دهه ۱۹۴۰، مباحث توسعه نخست در حوزه علوم اقتصادی و با تأسیس مکتب ساختاری توسعه اقتصادی در امریکای لاتین مطرح شد و راثول پربیش (R. Prebisch) و سلسو فورتادو (C. Furtado)، اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی، نقش عمده‌ای در این زمینه ایفا کردند (Sharda et al., 1998: 82-83)، اما به‌مرور این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی، و نظام جهانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم به‌وجود آمدند. بنابراین، اقتصاددانان اولین گروهی بودند که به مطالعه منظم مفهوم و فرایند توسعه پرداختند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. بدین ترتیب، نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیرمنتظره تلقی کرد. اما امروزه، با وجود اهمیت جنبه‌های اقتصادی توسعه، ظاهراً

همگان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی، و بزرگ‌داشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بر این اساس، تعاریف متأخر توسعه شامل وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی زندگی بشر نیز می‌شوند و توسعه را در جامعیت آن می‌بینند (توسلی، ۱۳۷۳: ۴۳۵-۴۵۳).

در این راستا، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) در سال ۱۹۶۲ تلفیق هر دو جنبه اقتصادی و غیراقتصادی (امور سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی) توسعه را پیش‌نهاد کرد. در همان سال، پیش‌نهادهایی درباره اقدامات اجرایی در اولین دهه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۶۰-۱۹۷۰) مطرح شد که اذعان می‌کرد: «مسئله کشورهای کم‌توسعه یافته توسعه است و نه فقط رشد. توسعه عبارت است از رشد به علاوه دگرگونی و دگرگونی هم نه فقط جنبه اقتصادی و کمی، بلکه جنبه اجتماعی، فرهنگی، و کیفی دارد. مسئله اصلی بهبود کیفیت زندگی مردم است» (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۴).

در دومین دهه توسعه نیز مسائل جدیدی مانند مشارکت، محیط زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان، و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. در دهه ۱۹۹۰، فضای توسعه‌گرایی تازه‌ای به وجود آمد و نظریه توسعه انسانی (Human Development Theory) مطرح شد و گزارش‌های ملی و بین‌المللی بر اساس آن تهیه و تدوین شد.

## ۲.۲ توسعه انسانی

سه نظریه پرداز اقتصاد توسعه: کیت گریفین (K. Griffin)، تری مکینلی (T. Mckinley)، و محبوب الحق (Mahbub ul Haq) برای اولین بار نظریه توسعه انسانی را مطرح کردند. هدف اصلی توسعه از منظر توسعه انسانی بهره رساندن به انسان، یعنی بهبود کیفیت زندگی مردم است. مفهوم توسعه انسانی انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد. توسعه انسانی مستلزم برنامه‌ها و فعالیت‌های چندبخشی و سیاست کلان اقتصادی است و هدف نهایی این است که رشد اقتصادی به بهبود رفاه مردم بینجامد. بنابراین، هدف توسعه انسانی دست یافتن انسان به چنان توانایی درخوری است که برخی از نمودهای آن عبارت‌اند از: رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی، و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آن‌ها نقش دارند (گریفین و مکینلی، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۶).

چند مؤلفه اساسی که در الگوی توسعه انسانی مد نظر قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

۱. بهره‌وری: به معنی ارتقای سطح کارایی افراد جامعه، به گونه‌ای که در فرایند درآمدزایی و اشتغال مشارکت فعال داشته باشند. بر این مبنا، رشد اقتصادی یکی از زیرمجموعه‌های الگوی توسعه انسانی است؛
۲. برابری: یعنی لزوم برخورداری مردم از بخت مساوی برای دسترسی به فرصت‌ها؛
۳. پایایی: به معنای تضمین دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل‌های حاضر، بلکه برای نسل‌های بعد. بدین منظور، باید هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی، و زیست‌محیطی ذخیره‌سازی و جبران شود؛
۴. توانمندسازی: یعنی پیش‌برد روند توسعه به دست مردم، نه برای مردم. افراد باید در جریان تصمیمات و فرایندهای مربوط به زندگی خود مشارکت داشته باشند. بنابراین باید فرصت ایجاد این توانمندی برای آن‌ها فراهم شود (منصوری، ۱۳۷۹: ۱۶۴-۱۶۵).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تحقق اهداف توسعه انسانی مستلزم ایفای نقش مؤثر از سوی دولت‌هاست. البته این بدان معنا نیست که دولت باید در ابعاد بزرگ، با تشکیلات گسترده، و هزینه‌های سنگین عهده‌دار ایفای این نقش شود. هم‌چنین به معنای آن هم نیست که دولت باید نسبتاً کوچک باشد و فقط بخش بسیار کوچکی از خدمات را تأمین کند و بقیه را به بخش خصوصی واگذار کند. موضوع مورد اهمیت دیگر در این عرصه، میزان عدم تمرکز در نظام اداری دولت است. اهمیت این موضوع وقتی بیش‌تر آشکار می‌شود که استراتژی توسعه انسانی در دستور کار قرار گیرد؛ زیرا این نوع از استراتژی‌ها روی برنامه‌های کاربر بیش از برنامه‌های سرمایه‌بر تأکید می‌کنند، مخارج پراکنده و خرد را به مخارج کلان و از نظر جغرافیایی متمرکز ترجیح می‌دهند، و برنامه‌های خوشه‌ای منطقه‌ای مکمل یک‌دیگر را برتر از برنامه‌های همگن و ملی می‌دانند. پذیرش چنین استراتژی‌هایی ایجاد می‌کند که مردم حول محور نهادهای ملی سازمان‌دهی شوند تا بتوانند در تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه فعالانه مشارکت کنند. از این رو، توسعه انسانی باید متکی بر یک جامعه مدنی نیرومند نیز باشد و شمار بسیاری از سازمان‌های غیردولتی امکان اظهار نظر و اقدام را برای مردم فراهم کنند (گریفین و مکینلی، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۵).

توسعه انسانی جزو مقولاتی است که دولت‌های توسعه‌گرا به دنبال آن هستند. این دولت‌ها در دهه اخیر مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته‌اند. پیتر اوانز (P. Evans, 1995) یکی از کسانی است که در کتاب خود به بررسی ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا پرداخته است. به نظر وی، دولت‌های توسعه‌گرا قادرند چشم‌اندازهای کارآفرینی درازمدت را در میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند، اقدامات جمعی را تسهیل کنند، و دست به

سرمایه‌گذاری بنیادی در زمینه آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها بزنند. این دولت‌ها متکی به نخبگان توسعه‌گرا هستند و وجود یک دیوان‌سالاری اقتصادی توانمند و منسجم از ویژگی‌های ساختاری و کلیدی این دولت‌هاست (Evans and Rauch, 1999: 748-765). اوانز هم‌چنین معتقد است تقویت تحول اقتصادی و تضمین حداقل رفاه از جمله وظایف دولت در جهان معاصر است. دخالت دولت در اقتصاد دو وجه دارد: یکی، انباشت سرمایه و رشد اقتصادی و دیگری، رفاه اجتماعی (اوانز، ۱۳۸۰: ۳۶-۴۰).

به‌طور خلاصه، پیش‌برد استراتژی توسعه انسانی نیازمند یک دولت فعال است که اولاً، با مداخله خود سمت و سوی تولیدات و فرایندهای تولیدی را، که متمرکز بر استفاده از سرمایه طبیعی هستند، تغییر دهد؛ ثانیاً، در شکل‌گیری سرمایه انسانی مداخله کند؛ ثالثاً، عهده‌دار سرمایه‌گذاری‌های عام‌المنفعه از جمله تأمین هزینه برای تحقیق و توسعه، آموزش و کارآموزی، بهداشت و تغذیه و هم‌چنین سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی از قبیل حمل و نقل، انرژی، و ساختارهای شهری شود. استراتژی توسعه انسانی در درازمدت، کاهش تدریجی و قطعی نقش دولت است و در این راه برخی از کارکردهای دولت به تدریج به نهادهای جامعه مدنی واگذار می‌شود (شیرزادی، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

در مجموع، توسعه قابلیت‌های انسانی را نباید به‌عنوان هدفی با یک نقطه پایانی و نهایی در نظر گرفت، بلکه باید آن را به‌مثابه فرایندی مداوم و بی‌انتهای تلقی کرد. آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و تغذیه نقش مهمی در کمک به مردم برای توسعه قابلیت‌هایشان ایفا می‌کنند. پیش‌رفت قابلیت‌های انسانی در عین حال که فی‌نفسه یک هدف است، موجب بالاتر رفتن تولید و درآمد نیز می‌شود (گریفین و نایت، ۱۳۷۶: ۱۳۴ و ۱۵۵).

## ۳.۲ شاخص توسعه انسانی

برای سنجش میزان توسعه انسانی هر کشور از شاخص توسعه انسانی (Human Development Index: HDI) استفاده می‌شود که شاخصی ترکیبی است و سه بُعد اساسی زندگی؛ یعنی دسترسی به امکانات لازم برای کسب دانش، برخورداری از عمر طولانی و زندگی سالم، و رسیدن به سطح استاندارد زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. بُعد دانش شامل شاخص‌های باسوادی بزرگسالان، نرخ ناخالص ثبت نام، نرخ ثبت نام دختران، و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه است. طول عمر دربرگیرنده شاخص‌های امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن نوزادان است. سطح زندگی نیز درآمد سرانه، نیروی کار به‌عنوان درصدی از جمعیت، و تعداد جمعیتی را که به آب سالم

دسترسی دارند شامل می‌شود. شاخص توسعه انسانی، که همه‌ساله از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر می‌شود، به مرور زمان دست‌خوش جرح و تعدیل شده است و اینک از آن به‌عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش سطح توسعه جوامع استفاده می‌شود.

جدول ۱ رتبه‌بندی کشورهای جهان را از نظر توسعه انسانی نشان می‌دهد. کشور نروژ، با داشتن بالاترین شاخص توسعه انسانی، رتبه اول را دارد. رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، و قطر نیز به ترتیب با رتبه‌های ۱۹، ۴۰، و ۳۱ در گروه اول؛ یعنی کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران با رتبه ۸۸ در گروه دوم؛ یعنی کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد. کشورهایمانند عربستان سعودی، مالزی، کویت، و ارمنستان نیز به ترتیب با رتبه‌های ۳۴، ۶۲، ۴۶، و ۸۷ در این گروه و بالاتر از ایران قرار دارند، اما کشورهای عمان با رتبه ۵۶ و ترکیه با رتبه ۶۹ در این گروه بعد از ایران قرار گرفته‌اند. گروه سوم کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط نظیر ترکمنستان، مصر، سوریه، تاجیکستان، و عراق را به ترتیب با رتبه‌های ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۳۳، و ۱۲۰ در بر می‌گیرد. چهارمین گروه نیز شامل کشورهایمانند پاکستان، یمن، و افغانستان به ترتیب با رتبه‌های ۱۴۶، ۱۵۴، و ۱۶۹ می‌شود.

جدول ۱. تعداد کشورها بر حسب سطح شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۴

سطح توسعه انسانی	تعداد کشورها	دامنه شاخص HDI
دارای توسعه انسانی خیلی بالا	۴۹	(۰/۷۹۳-۰/۹۴۳)
دارای توسعه انسانی بالا	۵۲	(۰/۶۹۸-۰/۷۸۳)
دارای توسعه انسانی متوسط	۴۱	(۰/۵۲۲-۰/۶۹۸)
دارای توسعه انسانی کم	۴۲	(۰/۲۸۶-۰/۵۱۰)
جمع	۱۸۷	(۰/۲۸۶-۰/۹۴۳)

Source: UNDP (2014)

با آن‌که انتظار می‌رود کشورهای دارای درآمد سرانه بالاتر دارای شاخص توسعه انسانی بالاتری نیز باشند، اما مقایسه بین کشورها در جدول ۲ نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کشورها با درآمد سرانه بالاتر، در سطوح پایین‌تری از شاخص توسعه انسانی قرار دارند. برای نمونه، لبنان نسبت به ایران تولید ناخالص داخلی (GDP) بسیار کم‌تر و شاخص توسعه انسانی بالاتری دارد.

جدول ۲. درآمد سرانه و شاخص توسعه انسانی کشورهای منتخب

شاخص HDI	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) بر حسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۱ (دلار امریکا)	تولید ناخالص داخلی (GDP) بر حسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۷ (میلیارد دلار)	رتبه	نام کشور
۰/۹۴۳	۴۷۵۵۷	۲۵۱/۶	۱	نروژ
۰/۸۸۸	۲۵۸۴۹	۱۸۸/۹	۱۷	رژیم اشغالگر قدس
۰/۷۷۰	۲۳۳۷۴	۵۵۴/۱	۵۶	عربستان سعودی
۰/۷۶۱	۱۳۳۸۵	۳۵۸/۹	۶۱	مالزی
۰/۷۶۰	۴۷۹۲۶	۱۲۱/۱	۶۳	کویت
۰/۷۳۹	۱۳۰۷۶	۴۱/۴	۷۱	لبنان
۰/۷۰۷	۱۰۱۶۴	۷۷۸	۸۸	جمهوری اسلامی ایران
۰/۶۹۹	۱۲۲۴۶	۹۵۷/۲	۹۲	ترکیه
۰/۶۴۴	۵۲۶۹	۴۰۳/۷	۱۱۳	مصر
۰/۶۳۲	۴۲۴۳	۸۹/۷	۱۱۹	سوریه
۰/۵۷۳	۳۱۷۷	-	۱۳۲	عراق
۰/۵۰۴	۲۵۵۰	۴۰۵/۶	۱۴۵	پاکستان
۰/۳۹۸	۱۴۱۶	۲۶/۱	۱۷۲	افغانستان

Source: UNDP 2009, 2011

### ۳. معرفی کشور امارات متحده عربی

#### ۱.۳ امارات در یک نگاه

امارات متحده عربی در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس واقع شده است و کشوری بسیار گرم، خشک، و کم‌باران است. اراضی آن عمدتاً شامل کویرهای خشک به‌همراه چند واحه و وادی است و در نواحی ساحلی آن علاوه بر تپه‌ماهورها، جزایر مرجانی چندی مانند ابوالابيض، داس، صیر بنی یاس، بوکشیشه، و دلما نیز وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۱۸). این کشور در سال ۱۹۷۱ با پیوستن هفت شیخ‌نشین ابوظبی، عجمان، فجیره، شارجه، دوبی، رأس‌الخیمه، و ام‌القوین تشکیل شد. وسعت سرزمین آن ۸۳۶۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در حدود هفت میلیون نفر است، اما از این تعداد، فقط یک میلیون نفر را اماراتی‌های بومی و اصیل تشکیل می‌دهند و شش میلیون نفر دیگر از سایر کشورها و مناطق جهان،

به خصوص جنوب آسیا و ایران هستند. هرچند بعد از بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ از تعداد اتباع خارجی در امارات کاسته شد، ولی این کشور از نظر نرخ مهاجرت در جهان رتبه اول را دارد (پژوهشکده تحقیقات راه‌بردی، ۱۳۹۰).

جدول ۳. جمعیت کشور امارات متحده عربی در سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۳

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۳
نفر	۲۳۱۷۵۴	۱۰۱۶۲۲۸	۱۸۰۸۶۴۲	۳۰۳۳۴۹۱	۴۰۶۹۳۴۹	۹۳۰۰۰۰۰

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL>

هفت امارت کشور امارات متحده عربی تفاوت‌های قابل توجهی با هم دارند و چهار امارت از اهمیت بیش‌تری برخوردارند. ابوظبی، که مرکز کشور است، بخش اعظم منابع و درآمد نفتی را به خود اختصاص داده است و حدود ۹۴ درصد از ذخایر شناخته شده نفت این کشور را در اختیار دارد. در حالی که سهم دومی از این ذخایر فقط به حدود ۴ درصد می‌رسد. از این رو دومی، با توجه به ذخایر نفتی محدود و رقابت با ابوظبی، از ابزارهای جانشینی برای توسعه اقتصادی استفاده کرده و دست به گسترش بنادر و زیرساخت‌های تجاری زده است تا جایی که از سال ۲۰۰۴، ظرفیت بنادر این کشور در سطح ده بندر بزرگ جهان قرار گرفته است. بنابراین دومی از منظر اقتصادی و تجاری در این کشور اهمیت بالایی دارد (Early, 2008: 15-16). شارجه نیز از منظر فرهنگی جایگاه بالایی دارد و حاکم آن به مسائل فرهنگی و برپایی نمایشگاه‌ها علاقه فراوانی نشان می‌دهد. امارت رأس‌الخیمه نیز ولیعهد حاکم است. در میان امارت‌های مذکور، ابوظبی مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود (پژوهشکده تحقیقات راه‌بردی، ۱۳۹۰).

### ۲.۳ تحولات سیاسی

امارات متحده عربی فاقد زمینه تاریخی و هویت سیاسی و اجتماعی نهادینه شده و طولانی است و از انسجام سیاسی و اجتماعی لازم برخوردار نیست. کم بودن جمعیت بومی و اصیل و افزایش تعداد اتباع خارجی در امارات از معضلات اساسی این کشور است. از منظر سیاسی و اجتماعی، امارات متحده عربی کشوری است که با چالش‌ها و مشکلات عمده‌ای مواجه است و طرح‌ها و برنامه‌های خاصی را برای حل و فصل این چالش‌ها دنبال می‌کند. از آنجایی که این کشور فدرالی است و از به هم پیوستن شیخ‌نشین‌های مختلف تشکیل شده است، اختلافات و رقابت‌های مختلفی بین امارت‌های آن مشاهده می‌شود که به‌طور



خاص می‌توان به رقابت‌ها و ناخرسندی‌های سایر امارات از ابوظبی اشاره کرد. به طوری که حتی برخی مواقع، این امارت‌ها درصدد کسب حمایت خارجی در برابر امارت ابوظبی برمی‌آیند. با این حال، امارت‌های مذکور در برابر تهدیدات و چالش‌های مشترک خارجی عمدتاً رویکرد و مواضع یک‌سانی اتخاذ می‌کنند.

با توجه به فقدان تاریخ و انسجام اجتماعی و سیاسی، هویت‌سازی یکی از برنامه‌های اصلی اماراتی‌هاست. از این رو، ایجاد و شکل‌گیری نسل جدیدی از ملی‌گرایی اماراتی و تعصبات عربی خاص، درونی ساختن غیربومی‌ها از جمله ایرانیان عرب ساکن امارات، نام‌گذاری‌های خاص، اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگون، و برجسته‌سازی اختلافات و تهدیدات بیرونی برای ایجاد انسجام درونی از اقدامات مهم در این زمینه است. از منظر سیاسی، امارات متحده عربی کشوری غیردموکراتیک است که از سوی شورای عالی حکام، متشکل از شیوخ هفت امارت، اداره می‌شود و دو امارت ابوظبی و دبی در این شورا از حق و تو برخوردارند. به‌رغم پیش‌رفت اقتصادی و رفاه سطح بالا در امارات، این کشور از نظر مشارکت و آزادی‌های سیاسی در سطح پایینی قرار دارد. اما حاکمان امارات، با اعطای منافع اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی به اتباع خود، درصدد کاهش تقاضاهای سیاسی برآمده‌اند. بدین ترتیب امارات متحده عربی نیز، همانند اغلب کشورهای دیگر حاشیه جنوبی خلیج فارس، درگیر چالشی ساختاری میان رشد سریع اقتصادی و در مقابل، عدم توسعه سیاسی است. با این حال، به‌آرامی شاهد ظهور نشانه‌های برخی اصلاحات دموکراتیک و رعایت بیش‌تر هنجارهای حقوق بشری در این کشور به‌منظور هماهنگ شدن با افکار عمومی جهان، جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، و نیل به شاخص‌های توسعه پایدار هستیم (خرازی، ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۹).

از مهم‌ترین تحولات سیاسی این کشور در سال‌های گذشته می‌توان به تغییر رهبری، در نتیجه مرگ شیخ زاید بن سلطان آل نهیان در نوامبر ۲۰۰۴، اشاره کرد. وی از سال ۱۹۶۶ امیر ابوظبی و رئیس کشور امارات، از زمان تأسیس در سال ۱۹۷۱، بود. شورای عالی امارات بلافاصله بعد از مرگش فرزند وی، شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان، را به‌عنوان جانشین او معرفی کرد.

### ۳.۳ روندهای جاری اقتصادی

پیش از این به جنبه‌هایی از نظرهای اوانز درباره دولت‌های توسعه‌گرا اشاره شد. از دیدگاه وی، دولت‌های توسعه‌گرا نه تنها تحول صنعتی را سرپرستی می‌کنند، بلکه در ایجاد تحول

نیز ایفای نقش می‌کنند (۱۳۸۰: ۴۴-۴۶). از آن‌جا که امارات متحده عربی را نیز می‌توان تا حد زیادی در ردیف دولت‌های توسعه‌گرا قرار داد، بنابراین بر اساس الگوی دولت توسعه‌گرا، می‌توان انتظار داشت که دیوان‌سالاری در این کشور نیز در جهت پیش‌برد توسعه اقتصادی ایفای نقش می‌کند.

اولین دوره توسعه اقتصادی امارات متحده عربی از اوایل دهه ۱۹۷۰ و به دنبال افزایش چشم‌گیر بهای نفت آغاز شد (Al Abed and Hellyer, 1997: 250). ذخایر نفتی اثبات‌شده امارات ۹۷/۸ میلیارد بشکه است که این کشور را در رتبه هفتم جهان قرار می‌دهد. تولید نفت امارات نیز ۳/۰۶۴ میلیون بشکه در روز است که آن را در رتبه هشتم جهانی قرار می‌دهد. اما این کشور، با صادرات ۲/۷ میلیون بشکه نفت در روز، رتبه سومین صادرکننده نفت جهان را به خود اختصاص داده است. منابع اثبات‌شده امارات در زمینه گاز طبیعی ۶۷۹۷۱ تریلیون متر مکعب است که این کشور را در رتبه هفتم جهانی قرار می‌دهد. امارات، با تولید گاز طبیعی به میزان ۵۰/۲۴ میلیارد متر مکعب، رتبه ۱۸ جهان را در این زمینه به خود اختصاص داده است. رتبه جهانی امارات در زمینه صادرات گاز طبیعی ۲۴ است و اماراتی‌ها، با توجه به بلندپروازی‌های اقتصادی و نیاز به گاز بیشتر، به دنبال تأمین گاز از ایران و سایر کشورها هستند.

امارات متحده عربی دارای اقتصادی باز و نیز مازاد تجاری بالاست. تلاش‌های موفق برای متنوع‌سازی اقتصاد باعث شده است تا سهم نفت و گاز در اقتصاد این کشور به حدود ۲۵ درصد کاهش یابد. از زمان کشف نفت در امارات، در حدود ۳۰ سال پیش، تاکنون این کشور از منطقه‌ای محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند و دارای سطح زندگی بالا تبدیل شده است. دولت برای اشتغال‌زایی و توسعه زیرساخت‌ها هزینه‌های عمده‌ای را صرف کرده و فرصت‌های بسیاری را برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد کرده است.

دولت ابوظبی، که بر اقتصاد امارات متحده عربی مسلط است، در سال ۲۰۰۸ برنامه توسعه اقتصادی راهبردی (Strategic Economic Development Program) آن کشور را با عنوان «چشم‌انداز اقتصادی ابوظبی در سال ۲۰۳۰» منتشر کرد. بر اساس این برنامه، با تنوع‌بخشی به اقتصاد، تا سال ۲۰۳۰ رشد بخش غیرنفتی بیش‌تر از بخش نفت خواهد شد و اقتصادی دانش‌بنیان و هماهنگ با اقتصاد جهانی ایجاد می‌شود و دولت، ضمن تقویت بیش‌تر بخش خصوصی، نقش کم‌تری در اقتصاد آن کشور ایفا خواهد کرد.

مناطق آزاد تجاری امارات، که در آن خارجی‌ها می‌توانند مالکیت داشته و از مالیات معاف باشند، کمک فراوانی به جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌کند. با این حال، بحران

اقتصادی جهانی و کاهش قیمت نفت باعث وارد آمدن ضرباتی به اقتصاد این کشور و کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ شد. نفت و پتروشیمی، ماهی‌گیری، آلومینیوم، کود شیمیایی، و تعمیر کشتی مهم‌ترین صنایع امارات محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۹، نرخ رشد تولید صنعتی این کشور ۶/۷ درصد بوده که این کشور را در رتبه جهانی ۱۱۸ قرار داده است.

از منظر تجاری، شرکای صادراتی عمده امارات شامل ژاپن (۲۶/۵۱ درصد)، کره جنوبی (۱۰/۹ درصد)، هند (۱۰/۷ درصد)، ایران (۷/۴ درصد)، و تایلند (۶/۱ درصد) می‌شود. کالاهای صادراتی عمده امارات عبارت‌اند از: نفت خام (۴۵ درصد)، گاز طبیعی، صادرات مجدد، ماهی خشک، و خرما. کالاهای وارداتی عمده کشور نیز شامل ماشین‌آلات، تجهیزات حمل و نقل، غذا، و مواد شیمیایی است. شرکای وارداتی اصلی امارات هم عبارت‌اند از: چین (۱۲/۹ درصد)، هند (۱۲ درصد)، آمریکا (۸/۶ درصد)، آلمان (۶ درصد)، ژاپن (۶ درصد)، ترکیه (۴ درصد)، و ایتالیا (۴/۲ درصد).

از نظر ارزش تولید ناخالص داخلی، این کشور در میان کشورهای شورای هم‌کاری خلیج فارس، بعد از عربستان، رتبه دوم و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، بعد از عربستان و ایران، رتبه سوم را دارد. امارات از نظر آزادی تجارت بین‌الملل نیز رتبه پنجم را در جهان دارد. این رتبه زمانی به دست آمد که در سال ۲۰۰۲، بخش‌های دولتی امارات نیز به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز شد و با ایجاد پارک‌های تجاری و ارائه خدمات مالی در این کشور، بستر حضور سرمایه‌های کلان خارجی فراهم شد. ایجاد مناطق آزاد تجاری معاف از مالیات گام مهمی در زمینه اعمال این سیاست بوده است. ایجاد تنوع در اقتصاد یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت امارات بوده است که اصلی‌ترین علت باز شدن درهای اقتصاد این کشور به روی سرمایه‌های خارجی نیز محسوب می‌شود. امارات در سال ۲۰۰۶، به اندازه ۲۴/۳ درصد تولید ناخالص داخلی خود سرمایه جذب کرد. البته بحران اقتصادی باعث ایجاد شوک‌های داخلی و خارجی به اقتصاد امارات در سال ۲۰۰۹ شد که مهم‌ترین آن‌ها بحران بدهی‌های دویی بود که، با کمک ابوظبی، تا حد زیادی مهار شد. اصلی‌ترین تأثیرات بحران اقتصادی جهانی بر امارات عبارت بودند از: کاهش درآمدهای نفتی، خروج سرمایه، کاهش ساخت و ساز و درآمدهای توریستی از جمله کاهش ۱۳ درصدی شمار گردش‌گران و سقوط ۳۶ درصدی درآمد هتل‌ها، ورشکستگی شرکت‌ها و مؤسسات مالی، و کاهش تجارت جهانی.

از تبعات داخلی بحران اقتصادی، می‌توان به تأثیرگذاری منفی آن بر امارت دویی و

بهره‌گیری امارت ابوظبی از آن اشاره کرد، به‌گونه‌ای که باعث ارتقای بسیار جایگاه ابوظبی در امارات متحده عربی شد. در دوره بحران اقتصادی، ابوظبی ۹۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت، در حالی که دویی ۸۶ میلیارد دلار بدهی داشت و به کمک‌های ابوظبی بسیار نیازمند بود که این خود موجب تضعیف جایگاه دویی و ارتقای جایگاه ابوظبی در کشور امارات شد (پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۰).

جدول ۴: تولید ناخالص داخلی (GDP) امارات در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۱ (میلیون دلار)

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۱
میلیون دلار	۱۰۹۸۱۶	۱۲۴۳۴۶	۱۴۷۸۲۴	۱۸۰۶۱۷	۲۲۲۱۰۶	۲۵۸۱۵۰	۳۱۴۸۴۵	۲۷۰۳۳۵	۵۲۵۱۰۰

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.MKTP.PP.CD>

جدول ۵: رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP) امارات در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۱ (درصد)

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۱
درصد	۲/۴۳	۸/۸	۹/۵۷	۴/۸۶	۹/۹۱	۳/۲۱	۳/۲۹	-۱/۶۱	۳/۶

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?page=1>

به‌رغم رکود اقتصادی جهانی و تأثیرات منفی آن بر اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه بازارهای مالی امارات متحده عربی و عربستان سعودی و کویت، اقتصاد قطر خسارات کم‌تری را متحمل شد و در دوره رکود رشد سریع‌تری از بقیه کشورها داشت. از این رو، برخی این ایده را مطرح می‌کنند که صحنه شکوفایی اقتصادی در خلیج فارس در حال انتقال از دویی به قطر است.

#### ۴. شاخص‌های توسعه انسانی در امارات متحده عربی

چنان‌که اشاره شد، شاخص توسعه انسانی ترکیبی از شاخص‌های سه‌گانه تولید سرانه، آموزش، و امید به زندگی است. مقایسه مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی کشور امارات متحده عربی نشان می‌دهد که این کشور تلاش فراوانی در جهت ارتقای این شاخص‌ها داشته است.

جدول ۶: رتبه کشور امارات در شاخص توسعه انسانی (۱۹۹۵-۲۰۱۴)

سال	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۴
رتبه	۴۵	۴۵	۴۱	۳۵	۳۲	۳۰	۴۰

Source: <http://hdr.undp.org/en/global-reports>

جدول ۶ رتبه این کشور را بر اساس گزارش توسعه انسانی در سال‌های گوناگون نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، امارات با پیمودن سیری صعودی موفق شده است طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۴ به رتبه‌های بهتری در شاخص توسعه انسانی دست یابد. این کشور، به‌رغم رکود پیش‌رفت در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۰ و حفظ رتبه ۴۵ طی این دوره، در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۱ به رشد صعودی و مستمر در کسب رتبه توسعه انسانی ادامه داده و موفق شده است رتبه توسعه انسانی خود را از ۴۵ به ۳۰ ارتقا بخشد. با این حال در سال ۲۰۱۴، به‌علت رشد جمعیت، میانگین رتبه کشور به ۴۰ تنزل یافته است.

جدول ۷ نیز نشان‌دهنده مقایسه روند تغییرات شاخص توسعه انسانی کشور امارات متحده عربی است. بر اساس اطلاعات جدول، عملکرد این کشور در زمینه شاخص توسعه انسانی صعودی است و امارات در این دوره موفق به ارتقای نمره شاخص توسعه انسانی خود از ۰/۸۴۱ به ۰/۸۴۶ شده است. البته نمره این شاخص در سال ۲۰۱۳، به ۰/۸۲۷ تنزل یافته است.

جدول ۷. روند تغییرات شاخص توسعه انسانی در امارات (۲۰۱۳-۱۹۸۰)

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۳
نمره کل	۰/۶۲۹	۰/۶۹۰	۰/۷۵۳	۰/۸۰۷	۰/۸۴۱	۰/۸۴۵	۰/۸۴۶	۰/۸۲۷

Source: UNDP 2011

جدول ۸ نشان‌دهنده مهم‌ترین شاخص‌هایی است که نقشی تعیین‌کننده در محاسبه شاخص توسعه انسانی امارات ایفا می‌کنند. طبق این جدول، عملکرد امارات علاوه بر شاخص‌های امید به زندگی، آموزش، تولید ناخالص داخلی (GDP)، و محیط زیست در زمینه شاخص نابرابری جنسیتی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ نیز قابل توجه بوده است؛ زیرا هرچه این شاخص به صفر نزدیک‌تر شود، میزان مشارکت زنان و مردان در امور سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی به‌سمت برابری پیش‌تر پیش می‌رود و از تبعیض بین آنان کاسته می‌شود. رشد روزافزون سطح تحصیلات زنان و مشارکت فزاینده آن‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی، به‌موازات استمرار اصلاحات سیاسی، می‌تواند موجبات بهبود بیش‌تر این شاخص را در این کشور فراهم و زمینه مساعدتری را برای ارتقای رتبه توسعه انسانی فراهم کند.

جدول ۸. مقایسه مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی امارات متحده عربی

شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی		آموزش	تولید ناخالص داخلی	نابرابری جنسیتی		عملکرد محیط زیست (۰-۱۰۰)
	سال	۲۰۱۱			۲۰۱۱	۲۰۰۸	
سال	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۰۵	۲۰۰۵	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱
نمره	۰/۸۴۶	۰/۸۳۶	۰/۷۹۱	۰/۹۲۵	۰/۴۶۴	۰/۲۳۴	۴۰/۷

Source: UNDP 2007/2008, 2009, 2011

#### ۱.۴ آموزش

آموزش و درآمد، در هر دو سطح فردی و اجتماعی ارتباط بسیاری با یکدیگر دارند؛ زیرا افراد تحصیل کرده شانس و فرصت‌های بیش‌تری برای افزایش درآمد به‌دست می‌آورند (Al Abed and Hellyer, 1997: 256). چنان‌که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، نمره شاخص آموزش امارات متحده ۰/۷۹۱ است. نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) در امارات از ۷۹/۵ درصد طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۵ به ۸۸/۷ درصد طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۵ رسیده است.

جدول ۹ نسبت ثبت نام در مدارس ابتدایی را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش توسعه انسانی در کشورهای عرب، نرخ باسوادی جوانان ۱۵-۲۴ ساله در امارات ۹۷ درصد است. هم‌چنین هزینه‌های آموزشی، بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۱ برای این کشور معادل ۲ درصد بوده است که این میزان در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۵، با توجه به افزایش چشم‌گیر تولید ناخالص داخلی این کشورها، به ۱/۳ درصد کاهش یافته است (UNDP, 2009: 238-239).

جدول ۹. نسبت ثبت نام در مدارس ابتدایی (درصد)

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۹	۲۰۱۲
درصد	۷۶	۱۰۰	۸۰	۹۸	۹۸

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SE.PRM.ENRR>

#### ۲.۴ اشتغال و درآمد

میزان بی‌کاری در امارات متحده حدود ۲/۳ درصد گزارش شده است، اما نرخ بی‌کاری جوانان معادل ۶/۳ درصد است. بر این اساس، امارات کم‌ترین میزان نرخ بی‌کاری جوانان را در بین کشورهای عرب به خود اختصاص داده است. در امارات متحده ۸ درصد جمعیت فعال در بخش کشاورزی، ۳۳ درصد در بخش صنعت، و ۵۹ درصد در بخش خدمات اشتغال دارند (UNDP, 2009: 246).

در بین کشورهای عرب امارات متحده و قطر به همراه بحرین، کویت، و عربستان سعودی از کشورهای دارای درآمد بالا محسوب می‌شوند. درآمد سرانه امارات در سال ۲۰۱۱، معادل ۵۹۹۹۳ دلار بوده است (UNDP, 2011: 127).

امارات متحده عربی برای تثبیت ساختار تجاری کشور و کاهش سهم صدور مواد خام

از تولید ناخالص داخلی گام‌های بسیاری برداشته است، تا جایی که سهم صادرات کالاهای ساخته‌شده بر حسب درصدی از GDP برای امارات متحده در سال ۲۰۰۵، به ۲۴ درصد رسیده است. علاوه بر آن، امارات در آن سال توانسته است سهم صادرات کالاهای دارای فناوری پیش‌رفته را به ۱۰/۲ درصد برساند (UNDP, 2009: 243).

### ۳.۴ مشارکت زنان

نمره شاخص توانمندسازی زنان در امارات متحده عربی ۰/۶۵۲ است که این کشور را در رتبه ۲۹ در بین کشورهای جهان قرار می‌دهد و باعث تقویت جایگاه آن بر اساس شاخص توسعه انسانی می‌شود. بنا بر گزارش توسعه انسانی در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸، زنان در مجلس ملی امارات دارای بیش از ۲۰ کرسی بوده‌اند. ۸۶ درصد زنان در امارات در بخش خدمات و ۱۴ درصد در بخش صنعت اشتغال دارند (UNDP, 2007/2008: 338-341).

### ۴.۴ فناوری اطلاعات و ارتباطات

تعداد مشترکین تلفن ثابت در امارات متحده از ۲۲۴ نفر در هر هزار مشترک در سال ۱۹۹۰ به ۲۷۳ نفر در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. در زمینه ارتباطات سیار نیز امارات متحده پیش‌رفت فراوانی داشته است و دارندگان تلفن همراه در این کشور از ۱۹ نفر در هر هزار نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱۰۰۰ نفر؛ یعنی یک تلفن همراه به ازای هر نفر از جمعیت در سال ۲۰۰۵ رسیده است. تعداد کاربران اینترنت نیز، که در سال ۱۹۹۰ معادل صفر نفر بوده است، در سال ۲۰۰۵ به ۳۰۸ نفر از هر هزار نفر جمعیت کشور رسیده است (UNDP, 2009: 240).

### ۵.۴ بهداشت و امید به زندگی

امید به زندگی در بدو تولد یکی از متغیرهای مهم در تعیین شاخص توسعه انسانی است. طبق جدول ۸، در سال ۲۰۱۱ نمره شاخص امید به زندگی در امارات ۰/۸۳۶ بوده است. بر اساس جدول ۱۰ نیز، سن امید به زندگی در بدو تولد در سال ۲۰۱۳ به ۷۶/۸ سال رسیده است.

جدول ۱۰. امید به زندگی در بدو تولد طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۳

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۳
	۶۲/۵۲	۶۶/۶۸	۷۲/۱۴	۷۴/۶۲	۷۵/۶۶	۷۶/۴	۷۶/۸

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.LE00.IN>

جدول ۱۱ نیز حاکی از مقایسه نسبت زنان و مردانی است که به سن ۶۵ سالگی می‌رسند.

جدول ۱۱. نسبت مردان و زنانی که به سن ۶۵ سالگی می‌رسند (درصد)

۲۰۰۹		۲۰۰۵		۲۰۰۰		سال
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	جنس
۸۹	۸۶	۸۸	۸۵	۸۸	۸۴	درصد

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.TO65.FE.ZS?page=3>

امارات متحده در سال ۲۰۰۴ حدود ۲/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به بخش بهداشت اختصاص داد که سرانه بهداشت آن کشور را به ۵۰۳ دلار رساند. هم‌چنین همه جمعیت امارات متحده تحت پوشش سیستم فاضلاب بهداشتی هستند و به آب سالم دسترسی دارند. با این حال، آب یکی از چالش‌های بزرگ این کشور است و امارات، با جمعیتی بیش از ۱۰ هزار نفر به‌ازای هر میلیون متر مکعب، دچار بحران کمبود آب است (UNDP, 2009: 233).

نرخ مرگ و میر نوزادان کم‌تر از پنج سال نیز یکی از شاخص‌های مهم در تعیین نمره توسعه انسانی است. جدول ۱۲ عملکرد مثبت امارات را در این زمینه نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. تعداد مرگ و میر نوزادان کم‌تر از پنج سال در هر ۱۰۰۰ نفر

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹
نفر	۹۱	۴۳	۲۲	۱۲	۹	۸

Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SH.DYN.MORT?page=1>

## ۶.۴ محیط زیست

طی دهه‌های آینده، تغییرات اقلیمی اغلب کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. انتشار سرانه گازهای گل‌خانه‌ای در کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا نظیر امارات متحده، نسبت به کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کم، بسیار بیش‌تر است؛ زیرا در این کشور فعالیت‌های انرژی‌بر، نظیر به‌کارگیری گسترده خودرو و دستگاه‌های تهویه مطبوع و تولید برق، بیش‌تر با استفاده از سوخت‌های فسیلی انجام می‌شود. در نتیجه، ساکنان کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا، به‌طور متوسط ۴ برابر بیش‌تر از سایر کشورها، کربن دی‌اکسید و گازهای گل‌خانه‌ای منتشر می‌کنند. بدین ترتیب، وابستگی امارات به نفت و گاز باعث شده است تا سرانه انتشار گاز کربن دی‌اکسید در این کشور



۳۵ تن باشد. بنا بر جدول ۸، شاخص عملکرد محیط زیست امارات متحده ۴۰/۷ امتیاز از ۱۰۰ است. در کشورهای عرب، بخش حمل و نقل بیشترین سهم را در آلودگی هوا ایفا می‌کند. در اجلاس اوپک در نوامبر ۲۰۰۷، کشورهای قطر و امارات متحده به‌همراه عربستان سعودی و کویت صندوقی را با ۷۵۰ میلیون دلار سرمایه تأسیس کردند تا به افزایش به‌کارگیری منابع سازگار با محیط زیست و توسعه فناوری‌های پیش‌رفته در این زمینه کمک کنند (UNDP, 2009: 24-27, 49).

## ۵. نتیجه‌گیری

شاخص توسعه انسانی ترکیبی از شاخص‌های سه‌گانه تولید سرانه، آموزش، و امید به زندگی است. بررسی مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی کشور امارات متحده عربی نشان می‌دهد این کشور تلاش بسیاری در جهت ارتقای این شاخص‌ها داشته و توانسته است رتبه بالایی در زمینه توسعه انسانی کسب کند. سرعت ادغام با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی ضمن توجه به ارتقای استانداردهای رفاه اجتماعی، و کاهش نسبت تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان از مهم‌ترین دلایل پیشرفت امارات متحده عربی در زمینه کسب رتبه بهتر در توسعه انسانی است. بر اساس گزارش سالانه توسعه انسانی، این کشور در رده کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا و در کنار کشورهای مرفه جهان قرار گرفته است.

گفتنی است که فقدان توجه کافی به جنبه‌های مختلف توسعه سیاسی یکی از نقاط ضعف این کشور است. به‌طوری که تشکیل احزاب سیاسی آزاد تقریباً ممنوع است و خاندان آل نهیان بر سیاست و اقتصاد مسلط‌اند. ادامه این وضعیت می‌تواند آینده توسعه انسانی را در این کشور دچار چالش کند. بروز بحران سیاسی در بحرین از سال ۲۰۱۱، به‌رغم توجه نسبی آن کشور به توسعه سیاسی و آزادی احزاب، هشدار برای امارات متحده در این حوزه محسوب می‌شود؛ چرا که تشنج در این زمینه می‌تواند توسعه انسانی را نیز دچار نوسان کند.

## منابع

اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.

- پژوهشکده تحقیقات راه‌بردی (۱۳۹۰). «تحولات داخلی و روابط خارجی امارات متحده عربی»، <http://www.isrjournals.ir/fa/essay/141-essay-farsi-8.html>، بازیابی در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳). «جامعیت مفهوم توسعه»، در مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، ویراستار محمد تقوی، ج ۲، تهران: سمت.
- جعفری، عباس (۱۳۸۲). گیتاشناسی کشورها، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- خرازی، فردین (۱۳۸۵). «مروری بر وضعیت حقوق بشر در امارات عربی متحده»، فصل‌نامه راه‌برد، ش ۴۱.
- زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۳). نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب، نظریه‌ها، تهران: آگه.
- قاضیان، حسین (۱۳۷۱). «دریاره تعریف توسعه»، ماه‌نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳ و ۴.
- گریفین، کیت و تری مکینلی (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلام‌رضا خواجه‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- گریفین، کیت و جان نایت (۱۳۷۶). «توسعه انسانی: تأکید مجدد»، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، مجله برنامه و بودجه، ش ۱۹ و ۲۰.
- منصوری، عیسی (۱۳۷۹). «توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی»، ماه‌نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۹ و ۱۶۰.

- Al Abed, Ibrahim and Peter Hellyer (1997). *United Arab Emirates: A New Perspective*, London: Trident Press.
- Early, Bryan R. (2008). 'Adversaries and Allies with Alibis: The Foreign Policy of Trade under the Shadow of Conflict', presented at the 49th Annual Convention of the International Studies Association, San Francisco, CA, 26-29 March.
- Evans, Peter B. (1995). *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation*, New Jersey: Princeton University Press.
- Evans, Peter B. and James Rauch (1999). 'Bureaucracy and Growth: A Cross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth', *American Sociological Review*, Vol. 64, No. 5.
- Sharda, Bam Dev, George A. Miller, and Archibald O. Haller (1998). 'Concepts and Indicators of Development: An Empirical Analysis', *Journal of Developing Societies*, Vol. 14, No. 1.
- UNDP (2007/2008). *Human Development Report, Fighting Climate Change: Human Solidarity in a Divided World*, New York.
- UNDP (2009). *Arab Human Development Report, Challenges to Human Security in the Arab Countries*, New York.
- UNDP (2011). *Human Development Report, Sustainability and Equity: A Better Future for All*, New York.
- UNDP (2014). *Human Development Report, Sustaining Human Progress: Reducing Vulnerabilities and Building Resilience*, New York.